

چکیده

هدف: این پژوهش در پی کشف گفتمان‌های موجود در متن وصیت‌نامه سردار سلیمانی و معرفی گفتمان غالب در آن است.

روش: پژوهش حاضر به روش تحلیل گفتمان و با استفاده از الگوی ون دایک انجام شده است. جامعه این پژوهش، متن کامل وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی است و نمونه‌گیری در این نوشتار به صورت هدفمند انجام شد.

یافته‌ها: ساختارهای گفتمان‌مدار موجود در فرازهای متن وصیت‌نامه شهید حاکی از ایدئولوژی مترقی فقه شیعه یعنی ولایت فقیه، در متن بوده است. اصلی‌ترین چارچوب موجود در متن، تقویت گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان مرکزیت تحولات و تقابلات ایدئولوژیک اسلام و دشمنان اسلام در سده بیستم میلادی و مشروعیت‌افزایی جمهوری اسلامی به عنوان تنها ساختار سیاسی مبتنی بر تشیع در دوران کنونی است.

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، yasserbeheshti222@gmail.com

** دکتری مدیریت رسانه، alborzhadi62@gmail.com

نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین و اصلی‌ترین روایت موجود در متن وصیت‌نامه اهمیت حفظ جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تداعی‌کننده اسلام است. نگارنده متن با بیان مصادیق و چهارگانه‌ی نقاط ضعف، نقاط قوت، تهدیدها و فرصت‌ها این موضوع را برجسته کرده است که حفظ اسلام و حفظ ایران، هر دو در گرو حفظ جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها: قاسم سلیمانی، گفتمان، وصیت‌نامه، ون دایک، ولایت‌فقیه، جمهوری اسلامی، تحلیل گفتمان.

مقدمه

شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ همواره در صدد جلوگیری از انحراف در ارزش‌ها و آرمان‌ها بوده‌اند و این تلاش برای حفظ اصول در قالب سخنرانی‌ها، نامه‌ها، کتاب‌های تألیف‌شده صورت گرفته است. وصیت‌نامه‌ها نیز از مواردی است که پس از دوران حیات، برای تأکید روی آرمان‌ها و جلوگیری از کج‌روی مردم و بیان توصیه‌هایی در موضوعات مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. سردار شهید سلیمانی نیز به‌عنوان فرمانده خط اول جنگ علیه استکبار و الحاد در منطقه از این قاعده مستثنی نیستند. با توجه به جایگاه تأثیرگذاری که ایشان در سالیان گذشته -مخصوصاً پس از به وجود آمدن داعش- در میدان نبرد نظامی و میدان نبرد فکری داشته‌اند، تلاش ایشان برای پاسداری از انقلاب اسلامی و آرمان‌هایش در میدان جنگ نظامی سخت خلاصه نشده و به انحاء مختلف در سخنرانی‌ها و مستندهایی که از ایشان به جا مانده قابل مشاهده است. پُر واضح است که وصیت‌نامه چنین شخصیت برجسته‌ای، دارای نکات فراوانی باشد که جز با موشکافی و تدقیق قابل دستیابی نیست. متن وصیت‌نامه چیزیست که می‌توان نحوه تفکر، جهان‌بینی و اصولی که روی آن پافشاری می‌شود را دید. این پژوهش بر طبق این سؤال صورت گرفت که ایدئولوژی‌های موجود در ساختار گفتمانی وصیت‌نامه سردار سلیمانی چیست و لایه‌های زیرین متن وصیت‌نامه ایشان چه خط سیری را دنبال می‌کند تا راه روشن پیش روی ملت ایران در نظر

شهید سلیمانی آشکار شود. لذا ضرورت دیده شد تا در جهت شناسایی گفتمان موجود در وصیت‌نامه مورد مطالعه قرار گیرد. جهت پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، لازم است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. ایدئولوژی‌های موجود و ایدئولوژی غالب در وصیت‌نامه شهید سردار سلیمانی چیست؟

۲. گزاره‌های اصلی گفتمانی موجود در متن وصیت‌نامه چه مواردی را در برمی‌گیرد؟

۳. دال‌های گفتمانی مرکزی در این وصیت‌نامه چه مواردی است؟

در ادامه نیز به تعریف مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش پرداخته می‌شود.

گفتمان: واژه گفتمان در زبان فارسی مترادف است با واژه دیسکورس که از ریشه‌ای لاتین به معنای مکالمه و هم‌کلاسی است. این واژه در سیر تکامل خود به شکل منسجم و معقولی از گفتار و نوشتار نیز اطلاق شده است (فرقانی، ۱۳۸۲، ۶۰). به عقیده امیل بنونیست^۱ «گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی-زمانی وی یا ارجاع به متغیرهای دیگری بیان نمود که در مشخص ساختن بسترهای بافت موضوعی پاره گفتار به کار می‌روند». بنابراین، گفتمان، مدعی حوزه معین، مستقل و کاملاً شناخته‌شده‌ای است که ضمائر شخصی مثل من و شما، اشاره‌ها مثل ضمائر اشاره و اسم‌های اشاره، مشخصه‌های مکانی و زمانی را در برمی‌گیرد. (فرقانی، ۱۳۸۲، ۶۱)

مک دانل^۲ در شرح مفهوم گفتمان، گفتگو^۳ را قبل از مطالعه مفهوم گفتمان، لازم و ضروری می‌داند که مورد بررسی قرار گیرد. به عبارتی بهتر، مک دانل پرداختن به مفهوم گفتگو را مقدم بر توجه به مفهوم گفتمان می‌داند. وی گفتمان را هر نوع گفتار و نوشتاری می‌داند که در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد (مک دانل، ۱۳۸۰، ۸۶).

در یک نظام زبانی گفتمانی بستر یا بافت کاملاً اجتماعی است. اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایایی مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها جملگی

1. Emile Beneniste.
2. Macdonell.
3. Diallogue.

بستگی به این نکته دارند که این تعبیر کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی، یا علیه چه چیزی یا چه کسی به کار رفته‌اند. درواقع، می‌توان بر این نکته تأکید کرد که بستر یا زمینه مکانی و زمانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب یا گزاره و قضیه تعیین‌کننده شکل و نوع و محتوای هرگفتمان به شمار می‌روند. در یک بررسی کلی، گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. (فرقانی، ۱۳۸۲، ۶۵)

تحلیل گفتمان به این ترتیب، تحلیل اجتماعی مقوله‌های زبانی است. یا استفاده از پس‌زمینه‌ها و یا رفتارهای اجتماعی برای بررسی و ارزیابی مقوله‌های کلاسی و زبانی در یک متن می‌باشد. هدف اصلی مطالعه گفتمان، ایجاد توصیفی واحد، از سه بعد اساسی گفتمان است؛ این ابعاد شامل کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها و تعادل در موقعیت‌های اجتماعی است. در مطالعه مفهوم گفتمان نحوه تقابل و تاثیر این ابعاد نسبت به هم مورد بررسی قرار می‌گیرد (ون دایک، ۱۳۸۲، ۴۶).

روایت: معنایی که از طریق روایت تولید می‌شود، فرایندی شناختی است که تجربه‌های انسانی را در قالب ایپزودهای زمان‌مند معنادار سازماندهی می‌کند. چون روایت فرایندی شناختی است، یعنی عملیاتی ذهنی است، بنابراین معنی «ابژه‌ای» نیست که به‌صورت مستقیم قابل مشاهده باشد. (پولکینگورن^۱، ۲۰۰۵، ۸۱)

هینچمن روایت را به این صورت تعریف می‌کند: روایت در علوم انسانی به‌عنوان گفتمان‌هایی با توالی روشن تعریف می‌شوند که رخدادها را به شیوه‌ای معنادار با هم مرتبط می‌کنند و در ارتباط با آن رخدادها، اندیشه‌هایی درباره جهان و تجربیات مردم عرضه می‌کنند. این تعریف چارچوب مفیدی را در اختیار ما می‌گذارد، چون بر سه کلیدواژه توصیفی روایت‌ها تأکید می‌کند. از منظر این تعریف: روایت‌ها دارای ترتیب زمانی وقوع هستند (یعنی روایت‌ها بازنمایی‌های توالی رخدادها هستند)؛ با معنی هستند و ذاتاً مربوط به اجتماعی هستند که در آن تولید شده‌اند (الیوت^۲، ۲۰۰۵، ۱۸).

1. Polkinghorne.
2. Elliot.

انگاره‌سازی: کنت بولدینگ، انگاره را به‌عنوان یک ساختار دانش شناختی و یک طرح واره در نظر می‌گیرد. سازمان‌بندی این دانش از اطلاعاتی نشأت گرفته است که گیرنده از ابژه دریافت می‌کند. دانیل بورستین^۱، انگاره را به‌عنوان یک واقعیت جعلی در نظر می‌گیرد و معتقد است که جریان انگاره‌سازی از سوی فرستنده پیام انجام می‌شود؛ فرستنده به‌صورت هدفمند تصاویری گمراه‌کننده یا نیمه‌واقعی برای رسیدن به مقاصد خاصی عرضه می‌کند (کاروونن^۲، ۲۰۰۴، ۸۸). در تعریف مولانا «انگاره، به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها اطلاق می‌شود که شخص تشخیص می‌دهد یا در ذهن خود مجسم می‌کند. درجه وابستگی انگاره‌ها به یکدیگر متفاوت است» (مولانا، ۱۳۷۹، ۱۰). در جریان ساخت انگاره‌ها، روحیات، پیش‌زمینه‌های ذهنی، میزان اعتماد محیطی مخاطبان دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. «انگاره‌سازی درواقع ارایه انگاره‌ای از شخصیت، مکان‌ها، اشیاء و رویدادها به مخاطب است. در انگاره‌سازی، با بازتاب واقعیت سروکار نداریم، بلکه واقعیت‌ها دستکاری شده و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲، ۷۳). در اصل، انگاره‌سازان ترکیبی کلی از تصاویر و متون مختلف و شاید متناقض را در کنار هم به مخاطبان عرضه می‌کنند تا در آن‌ها انگیزش‌هایی را که می‌خواهند به وجود بیاورند، ایجاد نمایند.

مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن از نظر وندایک: این مؤلفه‌ها شامل گزاره‌ها، مفاهیم و استعاره‌هایی هستند که متن از طریق آن‌ها درصدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان بر می‌آید. برخی از این تعبیر ممکن است صادقانه به کار گرفته شوند و پاره‌ای دیگر صرفاً در خدمت مشروعیت‌سازی و ساکت کردن مخالفان و از میدان بیرون کردن گفتمان رقیب باشند. (فرقانی، ۱۳۸۲، ۶۸)

گزاره‌های اساسی متن: به عقیده ون دایک گزاره‌ها در مجموعه انسجام موضوعی یک متن قرار دارند. از این‌رو در یک متن، باید گزاره‌ها به واقعیات مرتبط با هم دلالت کنند، این ارتباط ممکن است زمانی، شرطی، علی و یا تبعی باشد. به‌لحاظ مفهومی نیز این گزاره‌ها با

1. Daniel Boorstine.
2. Karvonen.

هم در ارتباط هستند. کارکرد مشترک گزاره‌ها و رابطه تخصصی آن‌ها نیز به‌نوعی از ویژگی‌های گزاره‌هاست (ون دایک، ۱۳۸۲، ۴۶). ون دایک در تعریفی گفته است: «مفهوم معناشناختی مهمی که در توصیف معنایی به کار می‌رود، گزاره است. گزاره را تقریباً می‌توان ساختار مفهومی یک بند تعریف نمود» (وان دایک، ۱۳۸۲، ۴۸). گزاره‌ها کانون متن هستند. به عبارتی گزاره‌ها عبارات یا جمله‌هایی هستند که معنای اساسی متن بر آن‌ها تکیه دارد و ممکن است مدت‌ها پس از مطالعه متن در خاطر خواننده یا مخاطب باقی بماند. درواقع یک متن از گسترش و بسط گزاره‌های اصلی آن به دست می‌آید. گزاره‌ها، پیام اصلی متن را در خود دارند (فرقانی، ۱۳۸۲، ۷۰).

واژگان: این مقوله، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه متن به شمار می‌آید، همراه با بار معنایی و کارکردی آن‌ها در متن مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این‌که واژگان اصلی و کانونی متن کدام‌اند و موضوع یا مفهوم مورد نظر را مثبت یا منفی توصیف کرده‌اند، معرف گفتمان غالب در متن وصیت‌نامه هستند. این مقوله می‌تواند محقق را در تحلیل واقع‌بینانه متن و زمینه‌ها رفتاری متن مدد رساند (فرقانی، ۱۳۸۲، ۳۲).

قطب‌بندی: این مقوله یا کار ویژه دارای دوزیر مقوله شخص است؛ نحوه توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به «خود» و نیز توصیف و معرفی «دیگری» یا ارزش‌های منتسب به «دیگری» است. تعیین جایگاه و کارکرد ضمایر به کار رفته در متن نیز در شناخت قطب‌بندی یا غیرسازی محقق را یاری می‌رساند، علت این است که ضمایر، بیانگر نگرش کنش‌گر متن نسبت به دیگران است. مثلاً استفاده از ضمیر «ما» بیانگر این است که رسانه خود را یا نماینده یک جمع می‌داند و یا این‌که برای خود جبهه‌ای جدا متصور می‌شود. از طرف دیگر، استفاده از ضمایری چون «ایشان» یا «آن‌ها» مبین خط فاصلی با دیگران است (فرقانی، ۱۳۸۲، ۷۳).

معانی ضمنی: «معانی ضمنی، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. بنابراین، شناخت معانی ضمنی، تحلیل‌گر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی ببرد. به‌طورکلی پیش‌فرض‌ها

شامل مفروضاتی است که فهم ارتباط میان قضایا و موضوع متن مشروط به آن‌هاست» (فرقانی، ۱۳۸۲، ۵۲).

روش‌شناسی

در این پژوهش، برای تحلیل و تبیین وصیت‌نامه شهید سردار سلیمانی جهت رسیدن به لایه‌های نهانی متن و کشف نظام ایدئولوژیک حاکم بر آن، از روش پژوهشی تحلیل گفتمان استفاده شده است. روش تحلیل گفتمان، به دلیل عدم توافق میان صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه پژوهشی، از قالب و سبک نظام‌مند و واحدی میان پژوهشگران برخوردار نیست و برداشت‌های مختلفی نیز در کاربرد این روش وجود دارد. روث وداک، نورمن فرکلاف، تیون ای. ون دایک و لاکلا و موفه معروف‌ترین رهیافت‌ها و رویکردهای عملی را برای تحلیل گفتمان متون ارائه کرده‌اند. می‌توان رهیافت‌های کاربردی و عملی فرکلاف، ون دایک و لاکلا و موفه را به دلیل داشتن یک رویکردی منظم‌تر و مدرن‌تر و نگاهی کارا تر در تحلیل و تفسیر متن، نسبت به سایرین بهتر دانست. ون دایک در بحث روش‌شناسی تحلیل گفتمان، این روش را در دو سطح تحلیلی مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر او، تحلیل گفتمان از یک طرف بر متن، گفتار، کنش‌های ارتباطی موضعی متمرکز است که این سطح از دیدگاه وی سطح خرد^۱ نام دارد. ون دایک در سطح عمومی‌تری، نظام‌های ساختاری گفتمان یا همان نظام‌های پیچیده اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی متن را مورد بازشناسی قرار می‌دهد. این سطح، سطح کلان نام دارد. در این سطح، محقق گفتمان کاو، علاوه بر توصیف و تفسیر داده‌ها و متن با تبیین و تحلیل اجتماعی سروکار دارد. به عبارت دیگر، در سطح خرد محقق الزاماً به تبیین بررسی‌های خود نمی‌پردازد؛ اما در سطح کلان،^۲ وارد حوزه تبیین و بررسی روابط کلان نظام‌های اجتماعی و شناخت‌های اجتماعی، قدرت و دسترسی به گفتمان می‌شود. ون دایک بر این معتقد است که هم سطح خرد و هم سطح کلان تحلیل گفتمان، فراتر از کلمات و عبارات را در نظر

1. Micro.

2. Macro.



می‌گیرند. وی در تحلیل خود دو راهبرد کلی مثبت نشان دادن گروه خود و منفی نشان دادن گروه رقیب (دیگری) را در نظر می‌گیرد و طبق این دو راهبرد ون دایک «ما» و «آن‌ها» را با هم مقایسه می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲، ۷۵). ون دایک معتقد است که بازنمایی‌های ذهنی «ما» در برابر «آن‌ها» در سخنگویان گروهی که به‌طورکلی متمایل به حضور خودشان یا گروهشان در واژگان مثبت و گروه‌های دیگر (رقیب) در واژگان و تعابیر منفی، در طرز گفتار و نوشتار یک متن به‌خوبی مطرح می‌شود (ون دایک، ۱۳۸۲، ۴۸). البته در متن وصیت‌نامه به مقتضای جنس متن که توصیه‌ای نگاشته شده است، بیشتر حالت ایجابی متن حفظ شده و نسبت به بیان واژگان مثبت درباره خود و خودی‌ها اکتفاء شده است. ون دایک، حتی روشن‌ترین مسائل را دارای یک محتوای معناشناختی می‌داند. این حوزه معناشناختی واژگان و ویژگی‌هایی که به «خود» و «دیگری» نسبت داده می‌شود را توجیه می‌کند. علی‌رغم این، چنین واژگان و ویژگی‌های متنی باید برای اقدامات قانع‌کننده دیگر باورکردنی جلوه داده شوند. وی شگردهای معمول برای قانع‌کننده بودن تعابیر و ویژگی‌های متنی را به این ترتیب بیان می‌کند:

۱. استدلال؛ که باید ارزیابی منفی از واقعیت را به‌دنبال داشته باشد.
۲. معانی بیان؛ برجسته‌کردن اغراق‌آمیز کنش‌های منفی «دیگران» و کنش‌های مثبت «ما»، از قبیل حسن تعبیرها، تکذیب‌ها، قصور در بیان کنش منفی «ما».
۳. سبک واژگان؛ انتخاب کلماتی که مستلزم ارزیابی‌های منفی (یا مثبت) است (واژه‌های دارای بار معنایی خاص).
۴. قصه‌گویی؛ گفتن رویدادهای منفی به‌گونه‌ای که انگار فرد خود آن را تجربه کرده است، و نیز گفتن ویژگی‌های منفی رویدادها به‌گونه‌ای که پذیرفتنی باشد.
۵. تأکید ساختاری بر کنش‌های منفی «دیگران» در تیترها، لیدها، خلاصه‌ها و دیگر قلمروهای طرح متن (گزارش‌های خبری) و ساختارهای انتقالی نحو جمله (اشاره به عوامل منفی در شاخص‌ها و موقعیت‌های موضوعی).

۶. نقل قول از شواهد، منابع و کارشناسان معتبر، مثلاً در گزارش‌های خبری (فرقانی،

جامعه موردنظر^۱ در این پژوهش، متن کامل وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی مورد بررسی قرار گرفت. در روش تحلیل گفتمان، واحد تحلیل، از کلمه فراتر است. واحد تحلیل می‌تواند براساس موضوع، شاخص‌ها، اهداف، متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق شامل یک جمله، عبارت، بند، صفحه یا متن کامل باشد (ون دایک، ۱۳۸۲).

نمونه‌گیری در این پژوهش، به شیوه قضاوتی انجام شده است؛ زیرا در تحلیل گفتمان، اساساً کیفیت حضور یا غیبت مفاهیم در متن موردنظر است و روش نمونه‌گیری هدفمند، در این مقاله بهتر می‌تواند پاسخگوی اهداف مقاله باشد. «در نمونه‌های هدفمند یا قضاوتی، پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی و با هدف قبلی انتخاب می‌کند. ذهنیت و هدف داور است که احتمال انتخاب یک واحد نمونه‌گیری را برای نمونه، معین می‌کند» (فرانکفورت و نجمیاس، ۱۳۸۱، ۲۶۴).

کار ویژه‌ای که از طریق آن‌ها می‌توان نظام گفتمانی حاکم بر متن وصیت‌نامه شهید سلیمانی و همچنین شناسایی مقولات متنی و درون متنی وصیت‌نامه را به دست آورد، عبارت‌اند از: سبک واژگان، افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن، قطب‌بندی یا غیرسازی، معانی ضمنی، گزاره‌های اساسی و مؤلفه‌های اجماع و توافق موجود در وصیت‌نامه. ذکر یک نکته ضروری است از آنجایی که انگاره‌سازی بیشتر بار منفی دارد لذا در این مورد خاص که مربوط به وصیت‌نامه شهید سلیمانی بود از مؤلفه‌های گفتمانی کنار گذاشته شد و به آن پرداخته نشد. پس از استخراج اطلاعات مربوط به متن وصیت‌نامه، این اطلاعات پایه اصلی تحلیل فرامتن را تشکیل می‌دهند.

یافته‌ها

واژگان

واژگان نقش بسیار مهمی در گفتمان دارند. گونه‌های مختلف گفتمان بسته به موضوع، هدف و عوامل دیگر با انواع واژگان خاص، تجانس دارند. تحلیل واژگان در مطالعات

1. Target Population.



ایدئولوژی و زبان دارای اهمیت است. واژگان انتخاب شده بیان کننده ارزش ها و هنجارها هستند و برای قضاوت ارزشی مورد استفاده قرار می گیرند. عمده واژگان توصیفی موجود در متن، در جدول زیر آمده است؛

جدول ۱. واژگان استخراج شده از وصیت نامه سردار شهید قاسم سلیمانی

موضوع	واژگان
مقام معظم رهبری	عبد صالح حکیم اسلام و تشیع و ایران و جهان اسلام وارسته در دین وارسته در فقه وارسته در عرفان و معرفت دارای حرمت هم طراز حرمت مقدسات الهی فرمانده نیروهای مسلح مظلومتنها
مردم	پُرافتخار سر بلند فداکار دوست داشتنی
جمهوری اسلامی	مرکز اسلام و تشیع قرارگاه حسین بن علی حرم عامل بقای حرم های ابراهیمی و محمدی در سر بلندترین دوره نمود اسلام رنگ خدا

عامل بقای دین و ارزش‌ها میراث امام خمینی	
متصل و منصوب به معصوم تنها نسخه شفابخش اسلام اصل عقلی مورد اتفاق شیعه و سنی رنگ خدا عامل نجات اسلام خیمه رسول‌الله اساس دشمنی دشمنان با جمهوری اسلامی اصول لازم المراقبه ادامه ولایت علی بن ابی طالب خیمه حسین فاطمه علیها السلام	ولایت فقیه
فدای رهبری معتقد به اصول دین در مسیر فاطمه و فرزندان دفاع از مظلوم دفاع از یتیم دوستدار ابا عبدالله دفاع از دین همنشینی با شهدا و مجاهدین دوستدار خداوند فدایی مردم اهمیت دادن به انسانیت و فطرت سرباز ایران	پیرامون خود سردار سلیمانی

مؤلفه‌های گفتمانی

شناخت مؤلفه‌های گفتمانی اعم از معانی ضمنی، گزاره‌های اصلی، مؤلفه‌های اجماع و توافق و ...، تحلیل‌گر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی ببرد. مؤلفه‌های گفتمانی موجود در وصیت‌نامه مبتنی بر الگوی ون دایک در ذیل آمده است:

جدول ۲. مؤلفه‌های گفتمانی (ون دایک) استخراج‌شده از وصیت‌نامه سردار شهید قاسم سلیمانی

مصادقاها	مؤلفه‌های گفتمانی
۱. جمهوری اسلامی ادامه راه پیامبر و دیگر معصومین است. ۲. تشیع و پیروی از ائمه طاهرين، مسیر حقیقی اسلام است. ۳. صالحیت مقام معظم رهبری. ۴. جمهوری اسلامی، عامل حفظ شعائر اسلامی است. ۵. نجات اسلام صرفاً در گرو ولایت است. ۶. سربلندی جمهوری اسلامی در حال حاضر. ۷. اسلام موجب پیروزی در جنگ تحمیلی. ۸. اعتقاد به ولایت فقیه و جمهوری اسلامی، شرط لازم مسئولیت داشتن در کشور است. ۹. راه امام، راه مبارزه با آمریکا و استکبار است.	مؤلفه‌های اجماع و توافق
۱. همه فعالیت‌های سیاسی باید در مسیر رهبر، انقلاب و جمهوری اسلامی باشد. ۲. ولایت فقیه ولایت علی بن ابی طالب است. ۳. تضعیف انقلاب موجب تضعیف اسلام است. ۴. ولایت عملی، لازمه عمل مسئولین کشوری. ۵. خدمت‌گزاری مسئولین نسبت به مردم. ۶. عبادت‌انگاری خدمت به مردم.	گزاره‌های اصلی و معانی ضمنی

۷. مخالفت با تجملات و اشرافی‌گری. ۸. توجه مسئولین به تربیت و حراست از جامعه. ۹. مقام معظم رهبری مظلوم و تنه‌است. ۱۰. تشیع، مسیر حقیقی اسلام است. ۱۱. جمهوری اسلامی مرکز اسلام و تشیع. ۱۲. دشمنی با اصل ولایت‌فقیه. ۱۳. امام خمینی عامل احیای اسلام. ۱۴. وحدت روی اصول. ۱۵. ولایت عامل نجات اسلام. ۱۶. بقای دین در گرو حفظ جمهوری اسلامی است. ۱۷. میراث امام خمینی. ۱۸. عمل به اصول، عامل تحقق انتخاب اصلح. ۱۹. شناخت دشمن.	
۱. تشیع به‌عنوان عطر حقیقی اسلام در مقابل بقیه فرق اسلامی. ۲. تلاش خودی‌ها برای حفظ ولایت به‌عنوان خیمه رسول‌الله در مقابل تلاش دشمن برای از بین بردن این رکن اصلی. ۳. باورمندان به سربلندی ایران در مقابل کسانی که وضع جمهوری اسلامی را بسیار بد و در حضيض می‌دانند. ۴. فعالان سیاسی تضعیف‌کننده اسلام و انقلاب در مقابل تقویت‌کنندگان دین و انقلاب با و حدن روی اصول. ۵. کسانی که درد دین دارند در مقابل خناسان. ۶. باورمندان عملی به ولایت‌فقیه در مقابل باورمندان صرفاً با زبان.	غیریت‌سازی (بیان دوگانه‌سازی‌ها)

۱. جمهوری اسلامی ادامه‌دهنده اسلام است و مسیر همان مسیر رسول الله است. ۲. مسئولیت در جمهوری اسلامی مشروط به پاکدستی، اعتقاد به ولایت فقیه و جمهوری اسلامی، دوری از فساد و تجمل و عبادت‌انگاری خدمت به مردم در نظر مسئول است. ۳. جمهوری اسلامی مرکز دنیای اسلام و موجد تحولات مثبت و حافظ شعائر اسلامی و حریم‌های ابراهیمی و محمدی است. ۴. دشمنی حال حاضر دشمن با اسلام و جمهوری اسلامی به نوعی است که به دنبال از بین بردن کامل و از بین بردن بساط اسلام و فرهنگ دینی از جوامع اسلامی هستند. ۵. روایتی که از خط امام ارائه می‌دهد شامل ویژگی‌های زیر است: هم‌افزایی اسلام و ایران مبارزه با آمریکا حمایت از جمهوری اسلامی حمایت از مسلمانان و مستضعفین اهمیت کلیدی ولایت فقیه	روایت‌های اصلی
---	-----------------------

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین و اصلی‌ترین روایت موجود در متن وصیت‌نامه اهمیت حفظ جمهوری اسلامی ایران به عنوان تداعی‌کننده اسلام است. امتداد رسالت رسول الله که در نهضت امام و ساختار حکومتی ایران تبلور یافته است و معرفی ساختار حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه منصوب و متصل شرعی و فقهی به معصوم به عنوان تنها راه نجات بشر. بایستی توجه داشته باشیم که می‌توان کلیت موضوعات مطرح‌شده در

وصیت‌نامه را به دو بخش تقسیم کرد بخش اول که بخش کلی‌تری محسوب می‌شود، ایجاد ارتباط مستقیم میان حفظ جمهوری اسلامی با حیات اسلام است و در بخش دوم به عوامل حفظ جمهوری اسلامی اهتمام می‌ورزد. عواملی از قبیل رابطه مسئولین با مردم، جلوگیری از تحریف خط امام، رابطه نیروهای مسلح در نظام جمهوری اسلامی، حفظ و حمایت از ولایت فقیه، حفظ و حراست از میراث امام خمینی، وحدت روی اصول، فعالیت‌های سیاسی در مسیر رهبری و حفظ روحیه مقابله با دشمن. تلفیق ایران و اسلام و ارائه مؤلفه‌های ملی‌گرایانه در کنار مؤلفه‌های دینی و مذهبی از نکاتی است که به نظر می‌رسد نگارنده به‌طور خواسته و عمدی در نظر داشته است تا بر روی این دوگانه و هم‌افزایی این مؤلفه‌ها در جهت حفظ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی تأکید کند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اصلی‌ترین چارچوب موجود در متن، تقویت گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان مرکزیت تحولات و تقابلات ایدئولوژیک اسلام و دشمنان اسلام در سده بیستم میلادی و مشروعیت‌افزایی جمهوری اسلامی به‌عنوان تنها ساختار سیاسی مبتنی بر تشیع در دوران کنونی است. جلوگیری از انحرافات فکری مخصوصاً پیرامون خط امام که شاه‌راه اصلی و مسیر درست پیشبرد کشور است از موضوعاتی است که سردار سلیمانی به آن اهتمام داشتند. روایتی که از خط امام ارائه می‌دهد نفی‌کننده روایت‌های معروف و غیر معروف دیگری است که مدعیان بسیاری نسبت به خط امام مطرح کرده‌اند. این توصیف از خط امام در درجه اول در جهت جلوگیری از انحراف فکری و عملی و در درجه بعدی در جهت حفظ و صیانت از مبانی نظری و تئوریک نظام جمهوری اسلامی ایران است. روایتی که شهید سلیمانی از خط امام ارائه می‌دهد تا نه‌تنها در دوران حیات، مروج مبانی نظریه امام و پاسدار انقلاب اسلامی ایران باشد بلکه بعد از شهادت نیز صف‌بندی‌ها را مشخص کرده و از ولایت فقیه و جمهوری اسلامی به‌عنوان میراث امام خمینی رحمة الله علیه نام می‌برد. ارائه روایت‌های اینچنینی که کاملاً منطبق بر مبانی نظری اسلام و ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران است و خطاب‌های مختلف شهید در وصیت‌نامه نشان از تلاش این شهید برای تداوم و انجام وظیفه خود در حفظ و پاسداری از انقلاب اسلامی حتی پس از شهادتش را نیز

دارد. با نگاهی به گزاره‌های استخراج‌شده از متن مشاهده می‌شود که عامل بقای اسلام و شعائر آن بقای جمهوری اسلامی فرض شده است. این ارتباط و این موضوع که جمهوری اسلامی ایران ادامه راه پیامبر و ائمه طاهرین است در جای‌جای متن قابل مشاهده است و مانند نخ تسبیحی همه کلمات جملات و پاراگراف‌های وصیت‌نامه را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد، چه در موضوع ولایت فقیه که آن را به ولایت علی بن ابی طالب می‌داند و چه در موضوع جنگ که اسلام را عامل پیروزی ایران در جنگ تحمیلی معرفی و رابطه متقابل ایران و اسلام را مطرح می‌کند. نگاه مبتنی بر ارزش‌ها و معنویات همراه با نگاه به پیشرفت‌های مادی حکومت جمهوری اسلامی این موضوع را منجر شده است که شهید سلیمانی جمهوری اسلامی را در سر بلندترین دوره خود بداند. نفی نوع نگاه دشمن به جمهوری اسلامی و ایران و در مقابل اهمیت داشتن نوع نگاه خود به خود از موضوعاتی است شهید در وصیت‌نامه به آن اشاره کرده است. مردم به عنوان یاری‌دهنده دین و حفظ‌کننده ایران معرفی شده‌اند و در این معرفی از صفتهایی مانند فداکار، پُرافتخار و دوست‌داشتنی استفاده شده است که نشان از اهمیت جایگاه مردم در نظر سردار سلیمانی نسبت به جمهوری اسلامی و حفظ آن دارد.

مؤلفه‌های مبتنی بر قرائت سیاسی فرهنگی و معنوی امام خمینی از اسلام و با تأکید بر حفظ جمهوری اسلامی ایران، حمایت از ولایت به‌عنوان رکن حفظ اسلام و عمود خیمه اسلام، دفاع از مستضعفین، اهمیت خدمت‌گزاری به مردم و حمایت بی‌چون و چرا و بدون ملاحظه از رهبر معظم انقلاب از موارد مشخص‌کننده ایدئولوژی حاکم در متن مورد بررسی است. چنان‌که اگر نیک بنگریم مشاهده می‌شود که این ایدئولوژی، ایدئولوژی مشروعیت بخش انقلاب اسلامی ایران است و سردار سلیمانی در این حوزه نیز سعی در پاسداری حداکثری از ارزش‌ها و ایدئولوژی مسلط انقلاب اسلامی داشته است. اهمیت جمهوری اسلامی با استفاده از ایجاد ارتباط تاریخی با صدر اسلام و توصیف ولایت به‌عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی قابل شناسایی است. ایشان با علم به وجود اختلافات داخلی مخصوصاً در حوزه‌های سیاسی و همچنین آگاهی به مضرات این موضوع در عرصه داخلی و خارجی بازهم برای حفظ و تقویت یکپارچگی جمهوری اسلامی به عنوان مرکز اسلام و

تشیع بر روی وحدت تأکید می‌کنند؛ چراکه از نظر ایشان وحدت و حفظ اصول عامل تضمین بقای جمهوری اسلامی هستند و سلامت سیاسی اقتصادی و فرهنگی کشور را در گروه وحدتی می‌دانند که در حول اصول اتفاق بیفتد.

منابع

۱. بی، ارل (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد ۱). ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت نشر اثر اصلی، (۱۹۹۵).
۲. دایک، تون آدریانوس فان (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان - از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳. فرانکفورت، چاوا؛ نجمیه، دیوید (۱۳۸۱). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی. فاضل ریجانی و رضا فاضل، مترجمان. تهران: سروش.
۴. فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲). راه دراز گذار - تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۵. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه گروه مترجمان تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۶. کیا، علی اصغر (۱۳۸۵). ارتباطات جمعی و روابط بین‌الملل. تهران: آن.
۷. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۷۹). نظریه‌های سلطه ارتباطی جهانی. فصلنامه رسانه، ۷ (۲)، ۹-۲.
۸. مک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
۹. مولانا، حمید (۱۳۸۴). اطلاعات و ارتباطات جهانی. اسدالله آزاد، محمد حسن زاده و مریم اخوتی، مترجمان، تهران: کتابدار.
۱۰. مولانا، حمید (۱۳۷۹). جریان بین‌المللی اطلاعات. ترجمه یونس شکرخواه. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۱. مولانا، حمید (۱۳۷۵). رسانه‌ها و انگار سازی. فصلنامه رسانه، ۷ (۲)، ۱۷-۱۰.
۱۲. مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۷). ایدئولوژی و اخبار. فصلنامه پژوهش و سنجش، ۸ (۲۷)، ۸۵-۶۱.
13. Karvonen, Erkki (2004). My Central Idea Concerning the Public Image Related phenomena, Tampere: Department of Journalism and Mass Communication.
14. Elliott, Jane (2005). Using Narrative in Social Research. SAGE Publications Ltd, London.